

پژوهش هانشان می دهد آمارهای رسمی میزان بافت فرسوده در تهران کمتر از ارقام واقعی است

تهران در محاصره ۵۵۵ بحران

میزان جمعیت فقط در بخش مسکونی در خطرند. طبق آماری که دستگاه‌های تحقیقاتی از جمعیت در خطر زلزله دارند، از این پنج‌ونیم میلیون نفر ساکن در معرض خطر، حدود چهار میلیون نفر در خانه‌ها قرار دارند. در کنار این ارقام، باید کسانی که در اثر آسیب‌های ناشی از انفجار گاز، ترکیدگی لوله‌ها، پل‌ها و نقاط دیگر آسیب می‌بینند را هم اضافه کنیم.»

منصوری، منتقد ارقامی است که درباره میزان نوسازی بافت‌های فرسوده مطرح می‌شود و طبق آن نزدیک به ۶۰ درصد از ۴۵ کیلومترمربع بافت فرسوده ادعا شده در تهران، نوسازی شده؛ آماری که از نگاه او صادقانه نیست و به جای آن باید یک خوانش علمی و مستند از میزان خطر زلزله تهران داشته باشیم.

او علت تفاوت ارقام اعلام‌شده میزان بافت فرسوده در تهران را به تعریف‌های نادرست نهادهای دولتی مرتبط می‌داند: «تعریف نهادهای دولتی از بافت فرسوده، سطوح آسیب‌پذیر در برابر زلزله نیست، بلکه می‌گویند سطوح آسیب‌پذیر در برابر زلزله که اندازه خانه‌های آن کوچک و عرض معابر هم کم باشد، درحالی‌که وقتی زلزله رخ می‌دهد، به ابعاد خانه کاری ندارد و اگر مقاوم نباشد فرو می‌ریزد. آنها دو مبنای متفاوت را با هم ترکیب کردند و نتیجه‌ای گمراه‌کننده گرفته‌اند؛ درنتیجه وقتی تعریف‌مان از صورت مسئله درست نباشد، پاسخ‌هایشان هم نادرست خواهد بود.»

آنطور که منصوری می‌گوید، نمونه یکی از این خطرات زیرساخت‌هایی مانند شبکه آب، برق و گاز است. پژوهش «ارزیابی و تحلیل ریسک وقوع زلزله بر شبکه آبرسانی شهر تهران» که در سال ۱۴۰۲ و در مجله تحلیل فضایی مخاطرات محیطی منتشر شده، روی همین مسئله تمرکز کرده و از نگاه علمی میزان خطر و ریسک نسبی حاصل از مخاطره زمین‌لرزه روی خطوط شبکه آبرسانی در محدوده شهر تهران را برآورد کرده است. طبق این مطالعه، بیشترین میزان ریسک مربوط به نواحی غرب و شمال تهران است و این نواحی توان لرزه‌زایی بسیار بالایی دارند و تراکم خطوط نیز در این نواحی بیشتر است. انجام این مطالعات باعث شناسایی مناطقی از تاسیسات انتقال آب می‌شود که در معرض خطر قرار دارند و ممکن است وقوع مخاطره زمین‌لرزه با صدمه به خطوط انتقال آب، آب شرب جمعیت عظیمی را با مشکل مواجه کند.

۱۰۰ برج بلند تهران روی کسل

مدتی پیش علی بیت‌اللهی، رئیس بخش زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی در کانال شخصی خود اطلاعاتی درباره تعداد پل‌اک ساختمان‌های آسیب‌پذیر اعلام کرده بود که طبق آن مناطق ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ بالاترین تراکم ساختمانی را در سطح شهر تهران دارند

روند نیست و کارشناسان دیگر هم روند نوسازی بافت‌های فرسوده را نادرست می‌دانند. نمونه آن امیرمنصوری، دکترای مطالعات شهری و رئیس پژوهش‌شکده نظر که به هم‌میهن توضیح می‌دهد، بافت فرسوده تهران چطور جان شهروندان را تهدید می‌کند. او تأکید دارد که تراکم جمعیت نه خطر است و نه آن را ایجاد می‌کند، بلکه زیرساخت‌های شهری معیوب، باعث آسیب‌پذیری می‌شوند و خطر پدیده‌ای مثل زلزله در جایی که تراکم جمعیت بیشتر است، افزون‌تر است: «بافت فرسوده قسمتی از شهر است که در برابر بلایای طبیعی مقاوم نیست. اگر بخواهیم در تهران مسئله آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی را بررسی کنیم، باید سراغ اندام‌هایی از شهر برویم که در برابر آن آسیب‌پذیرترند. مهم‌ترین آنها بافت فرسوده و بعد از آن تاسیسات شهری مثل پل‌ها، شبکه گاز و آب، راه‌ها و بعد از آن هم خدمات عمومی شهری مثل بیمارستان‌ها، مدارس و فضاهای عمومی آسیب‌پذیرند.»

او از آمارهای نادرست بافت فرسوده در تهران می‌گوید که از سوی نهادهای دولتی مطرح می‌شود. طبق داده‌های او، خطر زلزله در تهران ۱۰ برابر بیشتر از آن چیزی است که در گفته‌های رسمی اعلام می‌شود: «دست‌اندرکاران دولتی برای فرار از مسئولیت تفسیری از میزان خطر در برابر زلزله احتمالی شهر تهران می‌دهند و خطر را یک‌دهم آنچه وجود دارد، نشان می‌دهند؛ درحالی‌که خطر زلزله تهران ۱۰ برابر آن چیزی است که در گفت‌وگوهای رسمی دولتی از آن یاد می‌شود. مساحت شهر تهران ۶۴۰ کیلومترمربع است. ۲۷۰ کیلومترمربع از این مساحت، مسکونی است و باقی آن پارک، اداره، خیابان و... است. ۱۴۵ کیلومترمربع از این رقم فاقد ساختارهای مقاوم در برابر زلزله است و با دیوار حمال و ساخت‌وساز سنتی ساخته شده‌اند و باید در کنار آن، زیرساخت‌های ضعیف مانند پل‌ها، شبکه آب و کاربری‌های عمومی مانند مدارس، بیمارستان‌ها و... ناپایدار در برابر زلزله را هم اضافه کرد. با وجود این، آمارهای رسمی ادعا می‌کند تهران ۴۵ کیلومترمربع بافت فرسوده دارد.»

آنطور که او توضیح می‌دهد اگر آن ۱۴۵ کیلومترمربع بافت فرسوده تهران را به مخاطرات ناشی از ساختارهایی مثل پل، شبکه برق، آب، گاز شهری و ضعف فضاهای عمومی اضافه کنی، جمعیت در معرض خطر در برابر زلزله تهران بیش از ۱۰ برابر آن چیزی است که تصور می‌شود: «تهران شهری است که ۱۰ میلیون جمعیت دارد که در ۲۷۰ کیلومترمربع زندگی می‌کنند. ۱۴۵ کیلومترمربع بافت مسکونی فرسوده یعنی حدود ۵۵ درصد از سطح مسکونی این شهر و به این ترتیب ۵۵ درصد جمعیت تهران در بافت‌های ناپایدار در برابر زلزله زندگی می‌کنند که رقمی حدود پنج میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است؛ یعنی اگر زلزله‌ای با شدت شش ریشتر و بالاتر در تهران رخ دهد، این



گزارش
شهر

امیر منصوری
رئیس پژوهش‌شکده
نظر:

مساحت شهر تهران ۶۴۰ کیلومترمربع است. ۲۷۰ کیلومترمربع از این مساحت، مسکونی است و باقی آن پارک، اداره، خیابان و... است. ۱۴۵ کیلومترمربع از این رقم فاقد ساختارهای مقاوم در برابر زلزله است. با وجود این، آمارهای رسمی ادعا می‌کند تهران ۴۵ کیلومترمربع بافت فرسوده دارد

تهران ۵۵۵ مخاطره بحران‌زا دارد؛ این نتیجه بررسی‌های سازمان پیشگیری مدیریت بحران شهر تهران است که زلزله، سیل، آلودگی هوا، توفان، گردوغبار، خشکسالی، قطع آب، زمین لغزش، فرونشست زمین، حریق، حوادث ترافیکی، حوادث مواد خطرناک، بیماری فراگیر انسانی، تهدیدات سایبری و تجمعات انبوه احتمال با قطع برق را از مخاطرات اولویت‌دار پایتخت معرفی کرد. از میان این تهدیدات چند عامل خطر مهم مثل بافت فرسوده، تراکم جمعیت، ساختمان‌های ناایمن و ساخت‌وساز روی گسل، ریسک زلزله را در این شهر بالا برده است؛ مخاطره‌ای که سایه آن همیشه بالای سر تهران است.

مدتی پیش علی بیت‌اللهی، رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی از چند مورد به‌عنوان مولفه‌های ریسک در تهران بزرگ نام برده بود و همین موارد در آنها به چشم می‌خورد و در میان آنها بافت فرسوده از همه پررنگ‌تر است. مدتی پیش عبدالرضا گلپایگانی، معاون وزیر راه و شهرسازی گفته بود که در حال حاضر بحرانی‌ترین استان در بافت فرسوده استان تهران به‌واسطه جمعیت ساکن در این بافت است. مساحت بافت‌های فرسوده افزایش پیدا کرده؛ به‌طوری‌که در گذشته ۱۷۰ هزار هکتار بود و الان به ۲۰۰ هزار هکتار رسیده، اما تأکید دارم که این افزایش مساحت به این معنا نیست که همه این بافت‌ها مشکل سازه‌های ناپایدار داشته باشند.»

روند بازسازی بافت‌های فرسوده در تهران آنقدر کند است که صدای اعتراض اعضای شورای شهر هم بلند شده است؛ بهمن‌ماه سال گذشته محمد آقامیری، رئیس کمیته عمران این شورا گفته بود: «طبق بررسی‌ها، تاکنون ۲۵۰۰ پرونده در بافت فرسوده صادر شده که بیش از ۹۰ درصد آنها شامل معافیت از پرداخت عوارض شده‌اند. هزینه صدور پروانه در این مناطق تنها دو درصد از هزینه ساخت را شامل می‌شود، اما این سیاست نه‌تنها باعث گسترش نوسازی در بافت فرسوده نشده، بلکه بیشتر به سود سازندگان و پیمانکاران تمام شده است.» به گفته او، کسانی که در حال استفاده از این تسهیلات هستند درواقع شهروندان عادی نیستند، بلکه بالای ۹۰ درصد آنها سازندگان و پیمانکاران هستند. این افراد به‌دنبال کسب سود از پروژه‌های نوسازی هستند و اگر حداقل ۲۵ تا ۳۰ درصد سود نداشته باشند، وارد پروژه‌ای نمی‌شوند. درنتیجه این مشوق‌ها عملاً در خدمت بازار ساخت‌وساز و فروش قرار گرفته است. او تنها منتقد این



دریافت پول از خانواده‌ها ممنوع!

رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده است، دوران باقی‌مانده سال تحصیلی، زمان طلایی برای جبران عقب‌ماندگی درسی دانش‌آموزان است. او در گفت‌وگویی که با ایسنا داشته درباره طرح حامی گفته، دریافت هر گونه وجه از خانواده‌ها در قالب این طرح غیرقابل قبول و ممنوع است: «دوره ابتدایی، دوره یادگیری مهارت‌های سواد پایه برای دانش‌آموزان است، در برنامه امسال، «طرح حامی» در نظر گرفته شده تا حمایت آموزشی مستمر از دانش‌آموزان و یادگیرندگان انجام شود.» او گفته است، این طرح هم‌اکنون به مدارس سراسر کشور ابلاغ شده و اسامی دانش‌آموزان مشمول، توسط مدارس استخراج و ثبت شده‌اند: «فرصت باقی‌مانده از سال تحصیلی به‌عنوان دوران طلایی برای جبران عقب‌ماندگی‌های تحصیلی تلقی می‌شود و ضروری است مدیران و معلمان با جدیت از این فرصت بهره بگیرند. از والدین می‌خواهیم ضمن همکاری با مدارس، فرزندان خود را برای حضور مؤثر در این کلاس‌های جبرانی تشویق کنند»



ایران در آستانه سالخوردگی زودرس

صابر جبباری، رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت در یادداشتی برای ایرنا نوشته است که براساس گزارش منتشرشده بخش جمعیت و توسعه سازمان ملل متحد ۲۰۲۳، چنانچه نرخ باروری کلی در کشورهای جهان با روند فعلی ادامه یابد، در سال ۲۱۰۰ از هر چهار نفر، یک نفر سالمند خواهد بود و براساس این گزارش، ایران در سال ۲۰۵۰ سالمندترین کشور منطقه می‌شود: «در حال حاضر ایران رتبه هجدهم در جمعیت جهان، نهم در آسیا و سوم در منطقه پس از پاکستان و مصر را دارد. نرخ باروری کلی در ایران ۱/۶ و پایین‌تر از حد جانشینی است و نرخ رشد جمعیت حدود ۰/۷ است، این یعنی اینکه از ازدواج هر زن ایرانی کمتر از دو فرزند متولد می‌شود و اگر مسیر مولید به همین منوال پیش برود، ابتدا رشد جمعیت متوقف و پس از آن منفی خواهد شد.»



ادامه تغییر مدیران در شهرداری تهران

ناصر امانی، عضو شورای اسلامی شهر تهران، در واکنش به تغییرات اعمال‌شده در ساختار سازمانی شهرداری به خبرنگار آنلاین گفته است که بی‌ثباتی در انتصابات به ضرر شهر و شهرداری تمام می‌شود: «به‌عنوان نمونه، فردی را به یاد دارم که در شش ماه گذشته سه بار سمت‌اش تغییر کرده است؛ از شهرداری منطقه به ریاست مرکز نوسازی، و از آن‌جا به مدیرکل قوانین. چنین جابه‌جایی‌هایی آن هم در بازه‌های زمانی کمتر از دو ماه، قطعاً آسیب‌زاست. حتی خود افسران نیز از این جابه‌جایی‌های مداوم رضایت ندارند.» او می‌گوید: «ما در کمیسیون مطرح کردیم، عناوینی که معاونت هماهنگی امور مناطق ابلاغ کرده، برای نخستین‌بار بود که مشاهده کردیم. این عناوین به هیچ‌وجه در ساختار مصوب شهرداری وجود ندارد و اساساً چنین تغییراتی بدون تصویب در مراجع قانونی انجام شده که محل اشکال و اختلاف است. متأسفانه انتظاراتی که از سوی این معاونت مطرح شده، جنبه قانونی ندارد.»